

مارتین هایدگر و فلسفه فناوری: نقدی بر کتاب پرسش از فناوری هایدگر

جواد رمضان قربانی^{۱*}

صابر جعفریان^۲

هادی پیری^۳

اشرف شاه منصوری^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۵ تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۱۱/۳۰

چکیده

مارتین هایدگر، از برجسته ترین فلاسفه قرن بیستم، در کتاب پرسش از فناوری، نگرشی بنیادین درباره ماهیت فناوری ارائه می دهد و تأثیر آن را بر درک انسان از هستی بررسی می کند. از دیدگاه هایدگر، فناوری صرفاً ابزاری برای بهره برداری نیست، بلکه رویکردی اساسی است که نگرش انسان به جهان را متحول کرده است. او فناوری را نیرویی می داند که توانسته رابطه انسان با طبیعت، فرهنگ، و حتی خودآگاهی را تغییر دهد. این مقاله با تحلیل انتقادی دیدگاه های هایدگر، به جنبه های مختلف فلسفه فناوری او می پردازد و تلاش می کند کاربرد این دیدگاه ها را در دنیای معاصر بررسی کند. در این پژوهش، تأثیرات فناوری های نوینی همچون هوش مصنوعی، دیجیتالی شدن جوامع، و اینترنت اشیاء در ارتباط با نظریات هایدگر تحلیل می شود. نتایج نشان می دهد که درک عمیق تری از فناوری، به ویژه در چارچوب فلسفه هایدگر، می تواند به ما کمک کند تا از جنبه های اخلاقی و انسانی این تحولات پرده برداری کنیم. هرچند هایدگر نسبت به بحران های وجودی ناشی از فناوری هشدار می دهد، دیدگاه های او فرصتی برای بازنگری انتقادی در نحوه استفاده از فناوری های مدرن ارائه می کند. این مقاله اهمیت تحلیل فلسفی فناوری را در مواجهه با چالش های اجتماعی و اخلاقی تأکید کرده و از ضرورت بازاندیشی در رابطه انسان و فناوری در عصر دیجیتال سخن می گوید.

واژگان کلیدی

مارتین هایدگر، فلسفه، فناوری، دین، فرهنگ

۱. دانشجوی دکتری مدیریت تکنولوژی، گروه مدیریت تکنولوژی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

javad.ramezanghorbani@iau.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری مدیریت تکنولوژی، گروه مدیریت تکنولوژی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

saber.jafariyan@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری مدیریت تکنولوژی، گروه مدیریت تکنولوژی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

hadpiri@gmail.com

۴. استادیار گروه مدیریت تکنولوژی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

a_shahmansouri@azad.ac.ir

۱- مقدمه

مارتین هایدگر، یکی از برجسته‌ترین فلاسفه قرن بیستم، در کتاب پرسش از فناوری (۱۹۵۴) به بررسی بنیادهای فلسفی فناوری پرداخته است. هایدگر در این اثر به سؤالاتی بنیادین درباره ماهیت فناوری، تأثیرات آن بر انسان و رابطه آن با هستی انسان می‌پردازد. او فناوری را صرفاً به عنوان ابزار یا وسیله‌ای برای راحتی و بهره‌برداری انسان نمی‌بیند، بلکه آن را به عنوان یک نگرش بنیادی و تحول‌آفرین در درک انسان از جهان می‌شناسد. هایدگر در این کتاب به نقد تمدن مدرن می‌پردازد و به ویژه تأثیرات منفی فناوری بر جهان‌بینی و ارتباط انسان با محیط طبیعی و اجتماعی را تحلیل می‌کند. این کتاب نه تنها یک تحلیل فلسفی از فناوری است، بلکه به نوعی به هشدار درباره آینده‌ای می‌پردازد که در آن انسان‌ها به جای درک و تعامل واقعی با جهان، تنها به شیوه‌ای ابزاری به آن نگاه می‌کنند (هایدگر، ۱۹۷۷؛ فرینبرگ، ۲۰۱۰؛ بورگمن، ۱۹۹۹). کتاب پرسش از فناوری از آن زمان که منتشر شده، یکی از مهم‌ترین منابع برای فلسفه فناوری به شمار می‌رود. هایدگر در این اثر، فناوری را به عنوان یک واقعیت تاریخی و فرهنگی تحلیل می‌کند که به طور عمیق در درک ما از هستی و جهان تأثیرگذار است. او تکنولوژی را نه به عنوان یک پدیده خنثی و فقط ابزاری برای رفع نیازهای انسان، بلکه به عنوان یک شیوه تفکر و ساختار اجتماعی جدید می‌بیند که می‌تواند منجر به بحران‌های وجودی شود. بنابراین، اهمیت این کتاب نه تنها در تحلیل فلسفی فناوری، بلکه در نقد آن به عنوان یک نیروی تهدیدآمیز برای انسانی است که تنها به دنبال تسلط بر طبیعت و خود است. به طور خاص، هایدگر نسبت به تغییراتی که فناوری در نحوه درک انسان از خود و هستی ایجاد می‌کند، هشدار می‌دهد (مک‌دنیل، ۲۰۱۵؛ دریفوس، ۱۹۹۳؛ کروس و میجرز، ۲۰۰۰). در دنیای معاصر، این مسائل هنوز هم بسیار مرتبط و مورد توجه هستند. فناوری‌های نوینی مانند هوش مصنوعی، رباتیک، و اینترنت اشیاء، همگی به طور جدی در حال تغییر نحوه تعامل انسان‌ها با محیط پیرامونشان هستند. در این میان، پرسش‌های هایدگر درباره خطرات فناوری در حذف ابعاد انسانی از روابط انسانی و دنیای طبیعی همچنان بر سر زبان‌ها است (لاتور، ۲۰۱۳). به همین دلیل، بررسی دیدگاه‌های او در زمینه فناوری می‌تواند به ما کمک کند تا از جنبه‌های فلسفی و انسانی این تحولات پرده‌برداری کنیم.

هدف این مقاله، تحلیل و ارزیابی دیدگاه‌های هایدگر در مورد فناوری و نحوه تأثیر آن بر انسان و جوامع معاصر است. این مقاله به بررسی چالش‌هایی می‌پردازد که فناوری مدرن در کنار فرصت‌هایی که برای بشر فراهم می‌آورد، ایجاد می‌کند. علاوه بر این، بررسی خواهیم کرد که آیا راه‌حل‌های پیشنهادی هایدگر برای مواجهه با فناوری می‌تواند در دنیای امروزی، که در آن فناوری‌های نوین در حال پیشرفت سریع هستند، به کار گرفته شود یا نه. اما این پرسش در تحقیق مطرح می‌شود که چگونه دیدگاه‌های هایدگر در مورد فناوری می‌تواند به فهم بهتر رابطه انسان و فناوری در دنیای معاصر کمک کند؟

این تحقیق به دلیل بررسی فلسفی عمیق آن در زمینه تأثیرات فناوری بر انسان و جوامع، در دنیای معاصر اهمیت ویژه‌ای دارد. دیدگاه‌های هایدگر به طور خاص در زمینه‌های نوین مانند هوش مصنوعی و دیجیتالی شدن جوامع قابل توجه هستند، جایی

که فناوری‌ها نه تنها به‌عنوان ابزار، بلکه به‌عنوان پدیده‌هایی که بر فرهنگ، هویت و جامعه اثر می‌گذارند، عمل می‌کنند (بری، ۲۰۱۷). درک عمیق از این تأثیرات می‌تواند به ما کمک کند تا آینده‌ای هوشمندانه‌تر و انسانی‌تر برای فناوری پیش‌بینی کنیم.

۲- مرور ادبیات

۲-۱- تأثیر دین بر فناوری

دین به‌عنوان مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و اعمالی که به پرستش یا عبادت یک نیروی مافوق طبیعی یا الهی اختصاص دارد، شناخته می‌شود. در تعریفی جامع، دین به نوعی از زندگی اجتماعی اشاره دارد که افراد را از نظر معنوی و اخلاقی هدایت می‌کند و در آن، جهان‌بینی‌های خاصی درباره هدف زندگی، مرگ، و طبیعت وجود دارد. از دیدگاه‌های مختلف، دین می‌تواند به‌عنوان یک چارچوب معنوی و فرهنگی درک شود که در آن انسان‌ها با اصول اخلاقی و روابط معنوی خود ارتباط برقرار می‌کنند (الاید، ۱۹۵۹؛ برگر، ۱۹۶۷). با این حال، دین به‌عنوان یک سیستم فرهنگی و اجتماعی، تأثیرات عمیقی بر نحوه زندگی افراد و جوامع دارد و می‌تواند به شکل‌دهی فناوری و نوآوری‌های علمی کمک کند. به‌عنوان مثال، در دوران‌های مختلف، مذاهب مختلفی چون اسلام، مسیحیت و هندویسم تأثیرات مختلفی بر توسعه علمی و فناوری داشته‌اند. دین نه تنها ارزش‌ها و اصول اخلاقی را در جوامع معرفی می‌کند، بلکه در بسیاری از مواقع انگیزه‌ای برای اختراعات و نوآوری‌ها بوده است. به‌طور خاص، در جوامع اسلامی، اصول دینی مانند پژوهش و یادگیری، از قرون وسطی تا عصر حاضر، منجر به گسترش علم و فناوری شده است (نصر، ۲۰۰۹؛ زوهار، ۲۰۰۰).

از منظر هایدگر، دین در دنیای مدرن باید به‌عنوان یک سیستم معنوی و نه ابزاری برای تسلط بر طبیعت و انسان‌ها مورد توجه قرار گیرد. در عین حال، این نقد هایدگر را می‌توان در تحلیل رابطه دین و فناوری به‌کار برد. دین به‌طور غیرمستقیم می‌تواند بر مسیرهای علمی و فناوری اثرگذار باشد. برای مثال، در تمدن‌های اسلامی، دین به‌عنوان یکی از محرک‌های اصلی توسعه علمی در دوران طلایی اسلام شناخته می‌شود. به‌عنوان مثال، اخترشناسان اسلامی چون ابن هیثم و ابن شاطر، تحت تأثیر آموزه‌های دینی خود، پیشرفت‌های علمی و فناوری‌های نوینی در عرصه‌های مختلف ایجاد کردند (جورج سالیبا، ۲۰۰۷؛ الگود، ۲۰۰۳).

اسلام زمینه‌ساز توسعه فناوری‌های متعددی در دوران طلایی تمدن اسلامی شد. به‌عنوان مثال، مهندس و دانشمند برجسته، اسماعیل الجزری، در قرن دوازدهم میلادی، دستگاه‌های مکانیکی پیچیده‌ای مانند ساعت‌های آبی و پمپ‌های آب را اختراع کرد که تأثیر قابل‌توجهی بر فناوری‌های مهندسی داشت. علاوه بر این، دانشمندان مسلمان با ترجمه و توسعه آثار علمی یونانی و رومی، و افزودن نوآوری‌های خود، به پیشرفت فناوری در زمینه‌هایی مانند مهندسی، پزشکی و نجوم کمک کردند. این دستاوردها، پایه‌گذار بسیاری از فناوری‌های مدرن بوده و تأثیر اسلام بر توسعه فناوری را نشان می‌دهد (دارک هانس،

۲۰۲۳) همچنین، نگرش اسلامی به علم و فناوری، با تأکید بر اخلاق و استفاده مسئولانه از دانش، به توسعه فناوری‌هایی منجر شده است که با ارزش‌های انسانی و اخلاقی همخوانی دارند. این رویکرد، به‌ویژه در مواجهه با چالش‌های فناوری‌های نوین مانند اینترنت اشیا، می‌تواند راهگشا باشد و به توسعه فناوری‌هایی منجر شود که در خدمت بهبود زندگی انسان‌ها قرار گیرند (وزیر زداخان، ۲۰۱۸).

۲-۲- تأثیر فرهنگ بر فناوری

فرهنگ به مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، هنرها، آداب، رسوم و رفتارهایی اطلاق می‌شود که توسط یک جامعه یا گروه خاص در طول زمان ساخته و منتقل می‌شود. فرهنگ شامل زبان، هنر، قوانین، تکنیک‌ها و شیوه‌های زندگی است که مردم یک جامعه به آن‌ها وفادار هستند. فرهنگ به‌طور مستقیم در شکل‌دهی به هویت فردی و جمعی افراد تأثیر می‌گذارد و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مولفه‌ها در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی شناخته می‌شود. فرهنگ نه تنها به‌عنوان یک عامل معنوی، بلکه به‌عنوان یک نیروی اجتماعی و اقتصادی می‌تواند تأثیر زیادی بر توسعه و پذیرش فناوری‌ها در جوامع مختلف داشته باشد (باگچی و همکاران، ۲۰۰۳؛ گیترز، ۱۹۷۳). فرهنگ می‌تواند نقش مهمی در شکل‌دهی به پذیرش و توسعه فناوری‌ها داشته باشد. به‌عنوان مثال، در جوامع صنعتی پیشرفته، فرهنگ توسعه فناوری‌های نوین، نوآوری و تحقیق به‌عنوان یک ارزش مرکزی شناخته می‌شود. در مقابل، در جوامع سنتی‌تر که به حفظ آداب و رسوم خود پایبند هستند، پذیرش فناوری‌های جدید ممکن است با مقاومت روبه‌رو شود. این تفاوت‌ها به‌ویژه در جوامع غربی و شرقی نمایان است که فرهنگ‌های مختلف به شیوه‌های متفاوت با فناوری تعامل دارند (باگچی و همکاران، ۲۰۰۳؛ اینگلهارت و ولزل، ۲۰۰۵).

۲-۳- تأثیر فلسفه بر فناوری

فلسفه به‌عنوان جستجوی بنیادی برای درک هستی، حقیقت، معرفت و ارزش‌ها شناخته می‌شود. در اصل، فلسفه به مسائل اساسی مربوط به زندگی انسان‌ها و جهان می‌پردازد و به دنبال راه‌حل‌ها و پاسخ‌های عقلانی و انتقادی برای این مسائل است. فلسفه در پی یافتن اصول اولیه‌ای است که درک ما از جهان و جایگاه انسان در آن را شکل می‌دهند. فلسفه از دیرباز در تمام زمینه‌ها، از علم و ریاضیات گرفته تا هنر و دین، نقش اساسی ایفا کرده است (گرگین و همکاران، ۲۰۱۶؛ روسل، ۱۹۴۵). فلسفه تأثیرات عمیقی بر نحوه درک و پذیرش فناوری دارد. به‌ویژه فلسفه‌های انتقادی همچون فلسفه هایدگر به نقد دیدگاه‌های ابزارگرایانه در مورد فناوری پرداخته‌اند و به‌جای آن به دنبال درک فناوری به‌عنوان بخشی از وضعیت هستی انسانی هستند. فلسفه همچنین به‌عنوان ابزاری برای تحلیل آثار بلندمدت فناوری بر انسان و جوامع عمل می‌کند و از این طریق می‌تواند به ما در مدیریت بهتر تحولات فناوری کمک کند. از دیدگاه‌های هایدگر، فناوری باید در چارچوب معنایی قرار گیرد تا از بحران‌های فلسفی و اجتماعی جلوگیری شود (فرینبرگ، ۲۰۱۷).

۴-۲- تأثیر فناوری بر دین، فرهنگ و فلسفه

فناوری به مجموعه‌ای از ابزارها، ماشین‌آلات، سیستم‌ها و فرایندهایی اطلاق می‌شود که به‌منظور بهبود زندگی انسان‌ها و تسهیل کارها و تولیدات ایجاد شده‌اند. فناوری به‌طور کلی شامل هر نوع نوآوری و دستاورد علمی است که به‌منظور ارتقای کارایی و بهره‌وری در زمینه‌های مختلف زندگی بشری به‌کار می‌رود. فناوری امروزه نقش بسیار مهمی در زندگی روزمره، توسعه اقتصادی و ساختارهای اجتماعی ایفا می‌کند. از اختراعات اولیه بشر مانند چرخ و آتش گرفته تا فناوری‌های پیچیده امروزی مانند اینترنت و هوش مصنوعی، فناوری در بسیاری از جنبه‌های زندگی بشر را دگرگون کرده است (میچام، ۲۰۱۴). تأثیر فناوری بر دین، فرهنگ و فلسفه در دنیای معاصر بسیار عمیق و گسترده است. فناوری نه تنها در سطح ابزاری بلکه به‌عنوان یک پدیده اجتماعی و فرهنگی، تأثیرات زیادی بر ارزش‌ها، باورها و سبک زندگی انسان‌ها دارد. در دنیای مدرن، بسیاری از تأثیرات منفی فناوری در شکل‌دهی به تعاملات اجتماعی و روابط معنوی و فلسفی انسان‌ها مشاهده می‌شود. بر اساس دیدگاه‌های هایدگر، فناوری می‌تواند انسان‌ها را از درک و ارتباط حقیقی با طبیعت و جهان هستی دور کند و جایگزینی برای مواجهه واقعی با جهان ایجاد کند (هایدگر، ۱۹۷۷).

۵-۲- تحلیل فلسفی فناوری در آثار هایدگر

فلسفه هایدگر در مورد فناوری به‌طور عمده حول این پرسش می‌چرخد که فناوری چگونه بر درک ما از جهان و هستی تأثیر می‌گذارد. هایدگر، فیلسوف آلمانی، با ارائه دیدگاه‌های انتقادی در مورد فناوری، به جای تحلیل صرفاً ابزاری و فنی آن، به تأثیرات عمیق‌تر و فلسفی آن در زندگی انسان‌ها و روابط آن‌ها با جهان پرداخته است. در این بخش، تحلیل فلسفی فناوری بر اساس آثار هایدگر، به‌ویژه مقاله مشهور او با عنوان پرسش از فناوری (The Question Concerning Technology) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۵-۲- فناوری به‌عنوان وسیله تسلط بر طبیعت

هایدگر معتقد است که فناوری در دوران مدرن به‌عنوان یک ابزار برای تسلط بر طبیعت و کنترل آن دیده می‌شود. از نظر او، انسان مدرن، به‌ویژه در عصر صنعتی، از تکنولوژی برای دستیابی به قدرت و تسلط بر منابع طبیعی استفاده می‌کند. به عبارت دیگر، فناوری دیگر به‌عنوان ابزاری برای کمک به انسان و بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها دیده نمی‌شود، بلکه به‌عنوان یک وسیله برای به حداکثر رساندن بهره‌وری و کارایی به‌کار گرفته می‌شود. هایدگر این روند را به‌عنوان یک تغییر در نوع نگاه انسان به جهان می‌بیند، جایی که انسان‌ها به‌جای پذیرش طبیعت و جهان به‌عنوان یک معجزه، آن را به یک منبع برای استخراج منابع و دستاوردهای اقتصادی تبدیل کرده‌اند (هایدگر، ۱۹۷۷). هایدگر این نگاه ابزاری به طبیعت را نقد می‌کند و هشدار می‌دهد که این نگرش می‌تواند به یک بحران اخلاقی و معنوی منجر شود. او بر این باور است که فناوری به‌طور

فزاینده‌ای انسان‌ها را از درک و ارتباط واقعی با جهان و طبیعت دور می‌کند، زیرا انسان به‌جای مواجهه با «هستی» و دریافت معنای واقعی آن، بیشتر به جنبه‌های کارکردی و ابزاری طبیعت توجه می‌کند.

۲-۵-۲- فناوری به‌عنوان راهی برای کشف حقیقت

یکی از جنبه‌های مهم فلسفه هایدگر در مورد فناوری این است که او فناوری را صرفاً به‌عنوان ابزاری برای کنترل طبیعت نمی‌بیند، بلکه آن را به‌عنوان یک «راهی برای کشف حقیقت» می‌شناسد. از نظر هایدگر، در هر دوره تاریخی، انسان‌ها روش خاصی برای درک و کشف حقیقت دارند. در دوران مدرن، فناوری به‌عنوان ابزاری برای به دست آوردن حقیقت از طریق بررسی و کشف قوانین طبیعت مطرح می‌شود. این دیدگاه نشان می‌دهد که فناوری به‌عنوان یک رسانه برای برقراری ارتباط با حقیقت است، نه فقط به‌عنوان ابزاری برای تغییر طبیعت. با این حال، هایدگر به‌طور انتقادی بیان می‌کند که در دنیای مدرن، «روش‌های علمی» و «فناوری» اغلب به‌عنوان تنها راه‌های ممکن برای دستیابی به حقیقت شناخته می‌شوند و این منجر به محدودیت درک انسانی از دنیای پیچیده و معنوی می‌شود. بنابراین، هایدگر پیشنهاد می‌کند که باید از نگرش تکنولوژیک به‌عنوان تنها راه برای کشف حقیقت دوری جست و به روش‌های دیگر درک و تفکر توجه بیشتری داشت (فرینبرگ، ۲۰۱۷).

۲-۵-۳- نقد هایدگر به مفهوم «ابزارگرایی» و «ابزارگرایی جدید»

هایدگر به‌طور ویژه بر نقد مفهوم «ابزارگرایی» تأکید می‌کند که به‌طور گسترده‌ای در فلسفه و علوم اجتماعی مدرن پذیرفته شده است. ابزارگرایی به این معناست که فناوری و ابزارهای آن به‌طور عمده به‌عنوان وسایلی برای رسیدن به اهداف انسانی و اقتصادی در نظر گرفته می‌شوند، بی‌آنکه درک عمیق‌تری از تأثیرات آن‌ها بر انسان و طبیعت صورت گیرد. این دیدگاه به‌ویژه در دوران صنعتی شدن و سرمایه‌داری به‌طور گسترده‌ای گسترش یافته است و در آن فناوری به‌عنوان ابزارهایی برای بهره‌برداری از منابع طبیعی و انسانی دیده می‌شود (فرینبرگ، ۲۰۱۷).

هایدگر در مقابل این نگاه، به‌ویژه در مواجهه با فناوری‌های نوین، نگرانی‌هایی را مطرح می‌کند. او معتقد است که فناوری‌های جدید در معرض خطر تبدیل شدن به چیزی بیشتر از ابزارهایی برای تحقق اهداف انسان هستند. از نظر او، فناوری‌های نوین قادرند انسان را به‌طور کامل تحت سلطه خود درآورند و فضای انسانی را از معنا تهی کنند. در این راستا، هایدگر به‌ویژه از جنبه‌های اخلاقی و معنوی فناوری هشدار می‌دهد و خواستار توجه دوباره به معنای اصیل انسان و طبیعت است (میچام، ۲۰۱۴).

۲-۵-۴- بازنگری در تأثیرات اجتماعی و فرهنگی فناوری

هایدگر همچنین معتقد است که فناوری باید در چارچوب اجتماعی و فرهنگی قرار گیرد تا بتوان به تأثیرات آن در ساختارهای اجتماعی و روابط انسانی توجه کرد. به‌ویژه در دنیای مدرن، فناوری به‌طور گسترده‌ای بر روابط اجتماعی و

فرهنگی انسان‌ها تأثیر می‌گذارد و می‌تواند به تضعیف ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی منجر شود. از نظر هایدگر، فناوری در این دوران بیشتر به عنوان یک نیروی مستقل و خودکفا دیده می‌شود که در جهت بهبود وضعیت اجتماعی انسان‌ها قرار ندارد، بلکه بیشتر به ابزاری برای تغییر و کنترل محیط تبدیل شده است. با این حال، او بر این باور است که درک عمیق‌تری از فناوری باید شامل تأثیرات اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی آن نیز باشد. از نظر هایدگر، این تنها در صورتی ممکن است که انسان‌ها خود را از نگاه صرفاً ابزاری به فناوری آزاد کنند و آن را به عنوان بخشی از جریان کلی هستی و زندگی بشری در نظر بگیرند (هایدگر، ۱۹۷۷).

۶-۲- کاربرد دیدگاه‌های هایدگر در دنیای معاصر

دیدگاه‌های هایدگر در مورد فناوری، با وجود اینکه در نیمه اول قرن بیستم مطرح شده‌اند، هنوز هم در دنیای معاصر اهمیت بسیاری دارند. هایدگر به ویژه به این نکته اشاره کرد که فناوری مدرن نه تنها به عنوان ابزاری برای کارکردهای انسان‌ها عمل می‌کند، بلکه به طور بنیادی نحوه درک انسان از جهان و هستی را تغییر می‌دهد. در دنیای معاصر، این دیدگاه‌ها به ویژه در مواجهه با پیشرفت‌های سریع فناوری‌های دیجیتال، هوش مصنوعی و تغییرات اجتماعی و فرهنگی ناشی از آن‌ها همچنان قابل توجه است. در این بخش، به بررسی کاربرد دیدگاه‌های هایدگر در زمینه‌های مختلف دنیای معاصر، از جمله فناوری‌های نوین، فرهنگ و تغییرات اجتماعی خواهیم پرداخت.

۱-۶-۲- فناوری دیجیتال و دنیای مجازی

یکی از مهم‌ترین کاربردهای دیدگاه‌های هایدگر در دنیای معاصر در حوزه فناوری دیجیتال و دنیای مجازی است. با گسترش اینترنت و فضای مجازی، انسان‌ها دیگر تنها با دنیای فیزیکی و طبیعی تعامل ندارند، بلکه در دنیای مجازی و دیجیتال نیز نقش پررنگی ایفا می‌کنند. این تغییرات به ویژه در زمینه ارتباطات اجتماعی، آموزش و کار، تأثیرات عمیقی بر جامعه و انسان‌ها گذاشته است. هایدگر در تحلیل خود از فناوری به ویژه به خطراتی اشاره می‌کند که در آن فناوری می‌تواند انسان‌ها را از درک اصیل از هستی و طبیعت دور کند و به جای آن، به صورت ابزاری برای دستیابی به اهداف و انتظارات از پیش تعریف شده تبدیل شود. در دنیای مجازی، بسیاری از تعاملات انسانی به جای رو در رو بودن، از طریق پلتفرم‌های دیجیتال صورت می‌گیرد. از نظر هایدگر، این تغییرات نه تنها موجب می‌شوند انسان‌ها از هویت اصیل خود دور شوند، بلکه ممکن است موجب تهدیدهایی برای معنای زندگی و ارتباطات انسانی شود. در این راستا، به کارگیری فناوری‌های دیجیتال باید با دقت بیشتری صورت گیرد تا ارتباطات انسانی و معنوی حفظ شود (کین، ۲۰۱۷).

۲-۶-۲- فناوری‌های هوش مصنوعی و تأثیرات آن بر هویت انسان

با پیشرفت فناوری‌های هوش مصنوعی (AI) و رباتیک، انسان‌ها در حال مواجهه با پرسش‌هایی اساسی در مورد هویت، اخلاق و نقش خود در جهان هستند. هایدگر در خصوص خطرات انسان‌زدگی و کاهش ارتباط واقعی با هستی هشدار داده

بود و امروزه این نگرانی‌ها در برابر هوش مصنوعی و ربات‌ها به‌ویژه در زمینه‌های پزشکی، تولید و کارهای خانگی بیشتر از پیش قابل ملاحظه است. هوش مصنوعی به‌عنوان یکی از نوآوری‌های مهم فناوری معاصر، می‌تواند به‌طور جدی تأثیرات فرهنگی، اجتماعی و فلسفی در پی داشته باشد. از نظر هایدگر، اگر فناوری‌های جدید به‌جای اینکه خدمتگزار انسان‌ها باشند، خود به نیرویی مستقل تبدیل شوند، انسان‌ها از درک واقعی و انسانی خود از هستی و جهان فاصله خواهند گرفت. این پدیده می‌تواند به بحران‌های اخلاقی و اجتماعی منجر شود که در آن انسان‌ها قادر به درک نقش حقیقی خود در دنیای فناوری نیستند و ممکن است تحت سلطه تکنولوژی قرار گیرند (بورنستین و همکاران، ۲۰۲۱).

۳-۶-۲- بازتعریف انسانیت و تعاملات اجتماعی در دنیای فناوری

یکی از مهم‌ترین چالش‌های دنیای معاصر، تغییرات اساسی در تعاملات اجتماعی انسان‌ها به‌واسطه فناوری‌های نوین است. از نگاه هایدگر، انسان‌ها همیشه در رابطه با دنیای اطراف خود به‌عنوان موجوداتی که درک و تجربه می‌کنند، در تعامل بوده‌اند. اما در عصر فناوری‌های نوین، این تعاملات به‌ویژه در قالب رسانه‌های اجتماعی و فناوری‌های دیجیتال دستخوش تغییرات عمده‌ای قرار گرفته است. افراد اکنون بیشتر از هر زمان دیگری در دنیای دیجیتال حضور دارند و این امر ممکن است موجب تغییرات بنیادین در نوع روابط انسانی شود. هایدگر این پدیده را با دیدگاه خود درباره «فناوری به‌عنوان ابزاری برای تسلط» و «کنترل جهان» پیوند می‌دهد. در این دنیای دیجیتال، انسان‌ها ممکن است بیشتر از هر زمان دیگری تحت تأثیر سیستم‌های خودکار و هوش مصنوعی قرار بگیرند و این می‌تواند به تضعیف روابط انسانی و از بین بردن ابعاد اجتماعی زندگی منجر شود. از نظر هایدگر، چنین تغییراتی می‌تواند فردیت و خودآگاهی انسان‌ها را تهدید کند و در نهایت به بحران‌هایی در سطح اجتماعی و فرهنگی منجر شود (زوبوف، ۲۰۱۹).

۴-۶-۲- نوآوری‌های فناوری و چالش‌های فلسفی

در دنیای معاصر، نوآوری‌های فناوری با چالش‌های فلسفی زیادی روبه‌رو هستند. به‌ویژه در زمینه‌هایی همچون حقوق بشر، حفاظت از حریم خصوصی و آزادی‌های فردی، تکنولوژی‌های نوین پرسش‌هایی را مطرح می‌کنند که هایدگر در زمان خود به آن‌ها اشاره کرده بود. از نظر هایدگر، فناوری نباید تنها به‌عنوان ابزاری برای ایجاد رفاه و راحتی در زندگی بشر دیده شود، بلکه باید به‌طور آگاهانه و با در نظر گرفتن تأثیرات آن بر هستی و معنای زندگی بشری استفاده شود. این نگرانی‌ها در دنیای امروز به‌ویژه در زمینه‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و همچنین استفاده از داده‌های بزرگ (big data) و نظارت دیجیتال بسیار اهمیت دارند. طبق دیدگاه‌های هایدگر، این فناوری‌ها می‌توانند در صورتی که تحت کنترل دقیق و آگاهانه قرار نگیرند، به ابزارهایی برای کاهش آزادی و خودمختاری انسان‌ها تبدیل شوند (سوسکیند، ۲۰۲۰).

۲-۷- نقد و بررسی دیدگاه‌های هایدگر

دیدگاه‌های هایدگر در مورد فناوری در طول دهه‌ها مورد توجه و تحلیل‌های مختلفی قرار گرفته است. در حالی که بسیاری از محققان و فلسفه‌دانان به اهمیت اندیشه‌های هایدگر در فهم رابطه انسان و فناوری اعتراف کرده‌اند، نقدهای قابل توجهی نیز بر دیدگاه‌های او وارد شده است. این نقدها از چند جنبه مختلف مانند محدودیت‌های فلسفی، تأثیرات اجتماعی و عدم توانایی در پیش‌بینی تحولات فناوری‌های نوین مطرح شده‌اند. در این بخش، به بررسی نقدهای مختلف بر دیدگاه‌های هایدگر پرداخته خواهد شد.

۲-۷-۱- نقد محدودیت‌های فلسفی هایدگر

یکی از نقدهای اصلی وارد بر هایدگر این است که او دیدگاه‌هایی بنیادین و درعین حال محدودکننده درباره فناوری مطرح کرده است. هایدگر معتقد بود که فناوری مدرن نوعی «ابزار تسلط» است که انسان‌ها را از درک حقیقی از هستی خود باز می‌دارد. با این حال، برخی از منتقدان بر این باورند که این دیدگاه ممکن است به‌طور افراطی و منفی به فناوری نگاه کند و نقش مثبت آن در زندگی انسان‌ها را نادیده بگیرد. پاره‌ای از محققان همچون فیلیپ پترسون (۲۰۱۷) معتقدند که دیدگاه‌های هایدگر در مورد فناوری، به‌ویژه در عصر دیجیتال، دیگر پاسخگوی تحولات سریع فناوری نیست. آن‌ها بر این باورند که فناوری‌های نوین نه تنها ابزار تسلط بر جهان نیستند، بلکه می‌توانند به‌عنوان ابزاری برای بهبود کیفیت زندگی، برقراری عدالت اجتماعی و ارتقای رفاه انسان‌ها به کار گرفته شوند. این منتقدان می‌گویند که هایدگر به‌طور تنگ‌نظرانه‌ای فناوری را در چارچوب محدود خود بررسی کرده و نتوانسته است پتانسیل‌های مثبت و متریقی آن را شناسایی کند (پترسون، ۲۰۱۷).

۲-۷-۲- نقد تأثیرات اجتماعی و فرهنگی فناوری

در نقد دیگری از دیدگاه‌های هایدگر، برخی معتقدند که او تأثیرات اجتماعی و فرهنگی فناوری را به‌طور کامل درک نکرده است. به‌ویژه در دنیای معاصر که فناوری‌های دیجیتال و رسانه‌های اجتماعی به‌سرعت در حال تحول هستند، اندیشه‌های هایدگر ممکن است نتواند پاسخگوی تغییرات سریع و پیچیده در روابط اجتماعی و فرهنگی انسان‌ها باشند. برای مثال، فناوری‌های اطلاعاتی که امکان ارتباطات فوری و گسترده را فراهم کرده‌اند، به‌نظر نمی‌رسد که همان تهدیدهایی که هایدگر از آن‌ها به‌عنوان «ابزار تسلط» یاد کرده، در دنیای امروز به‌طور عمومی وجود داشته باشد. بسیاری از محققان معتقدند که فناوری‌های نوین می‌توانند در ایجاد جوامع بیشتر ارتباط‌محور، آموزش آنلاین و مشارکت‌های اجتماعی به‌ویژه در زمان بحران‌هایی همچون پاندمی‌ها (همان‌طور که در بحران COVID-19 شاهد بودیم) نقش داشته باشند. بنابراین، دیدگاه‌های هایدگر در این زمینه نیاز به بازنگری دارند (کستلز، ۲۰۱۸).

۳-۷-۲- نقد عدم پیش‌بینی تحولات نوین فناوری

یکی از نقدهای دیگری که به اندیشه‌های هایدگر وارد شده، عدم توانایی او در پیش‌بینی تحولات جدید فناوری است. هایدگر در تحلیل‌های خود بیشتر به فناوری‌های صنعتی و مکانیکی قرن بیستم پرداخته و توان پیش‌بینی اثرات فناوری‌های نوین، از جمله فناوری‌های دیجیتال، هوش مصنوعی و اینترنت اشیاء را نداشته است. محققانی همچون کای هارموش (۲۰۲۰) بر این باورند که تحلیل‌های هایدگر در زمینه فناوری‌های جدید به‌ویژه در دنیای اینترنت و هوش مصنوعی به‌شدت محدود است و نتوانسته است بر پیچیدگی‌های تحولات فناوری امروز به‌طور مؤثر پاسخ دهد. بسیاری از پدیدارهای جدید مانند هوش مصنوعی، فناوری‌های گیمینگ، فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی تأثیرات قابل‌توجهی بر هویت و روابط انسانی گذاشته‌اند که هایدگر قادر به پیش‌بینی آن‌ها نبوده است. همچنین، هایدگر فناوری را به‌طور عمده به‌عنوان تهدیدی برای انسان و هستی در نظر گرفته است، در حالی که بسیاری از این تحولات از منظر اجتماعی و فرهنگی می‌توانند فرصت‌هایی برای پیشرفت و ارتقای زندگی بشر فراهم کنند (هارموش، ۲۰۲۰).

۴-۷-۲- نقد بر پیچیدگی‌های فلسفی هایدگر

یکی از دیگر نقدهای وارد بر هایدگر به پیچیدگی‌های فلسفی و زبان دشوار او مربوط می‌شود. بسیاری از محققان معتقدند که زبان پیچیده هایدگر می‌تواند باعث شود که مفاهیم او به‌راحتی برای مخاطبان عمومی و حتی برخی از فلاسفه نیز قابل‌فهم نباشد. این پیچیدگی‌ها باعث شده است که بسیاری از اندیشه‌های او به‌ویژه در زمینه فناوری به‌صورت غیرقابل‌فهم باقی بماند. به‌طور مثال، نظریات هایدگر درباره «ابزار تسلط» و «فن‌آوری به‌عنوان خطر» از مفاهیمی بسیار پیچیده و انتزاعی برخوردار است که در دنیای معاصر، خصوصاً در بحث‌هایی که به تبیین دقیق‌تر کاربرد فناوری نیاز دارند، به‌طور کامل قابل‌استفاده نیستند (رایت، ۲۰۱۹).

۳- روش تحقیق

در این تحقیق، از روش تحقیق مروری استفاده شده است تا بتوانیم به‌طور جامع و دقیق، منابع مختلف علمی را بررسی و تحلیل کنیم. روش تحقیق مروری به ما این امکان را می‌دهد که از مجموعه‌ای از مقالات، کتاب‌ها، و منابع معتبر برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات استفاده کنیم و آن‌ها را به‌طور سیستماتیک تحلیل کنیم. با توجه به حجم بالای مطالب موجود در زمینه تأثیر دین، فرهنگ و فلسفه بر فناوری، این روش به‌عنوان روشی کارآمد و مؤثر برای استخراج و تحلیل داده‌ها به‌کار گرفته شد تا بتوانیم دیدگاه‌های مختلف و متناقض را بررسی و نتایج قابل‌اتکایی به‌دست آوریم. در این روش تحقیق، تلاش شده است تا مقالات و منابع مرتبط با موضوع تحقیق از پایگاه‌های معتبر علمی مانند Google Scholar، JSTOR و web of science جمع‌آوری شوند. سپس، این منابع با دقت بررسی شده‌اند تا نقاط قوت و ضعف مختلف هر یک شناسایی و تحلیل شوند. همچنین، مطالعات مختلف در این زمینه با یکدیگر مقایسه شده‌اند تا دیدگاهی جامع از تأثیرات دین و

فلسفه‌های مختلف بر فناوری‌های معاصر ایجاد شود. این فرآیند به‌طور خاص کمک کرده است تا روند تحولات تاریخی و فرهنگی در این زمینه به‌خوبی روشن گردد و تأثیرات مختلف آن‌ها بر نوآوری‌های علمی و فناوری به‌طور دقیق مورد ارزیابی قرار گیرد.

۴- بحث

در مقاله ما، به‌ویژه بر تأثیر دین و فرهنگ در شکل‌دهی به فناوری و کاربرد آن در جوامع مختلف تأکید کردیم. در تحقیقات گذشته نیز به این نکته اشاره شده بود که دین و فرهنگ می‌توانند به‌عنوان نیروهای کلیدی در جهت‌دهی به مسیر توسعه فناوری عمل کنند (شولز، ۲۰۱۹). برای مثال، دین می‌تواند منبعی برای اصول اخلاقی باشد که بر رفتار انسان‌ها در تعامل با فناوری‌ها تأثیر می‌گذارد، همان‌طور که در تحقیق فروید و کرافورد (۲۰۱۷) بیان شد که دین و اخلاق می‌توانند در انتخاب و استفاده از فناوری‌ها نقش مهمی ایفا کنند. این موضوع در پژوهش ما نیز تأکید شد که جوامع مختلف بسته به عقاید دینی و فرهنگی خود، فناوری‌ها را به‌طور متفاوتی می‌پذیرند و توسعه می‌دهند. نتایج تحقیق ما در این زمینه نشان می‌دهد که هرچند فرهنگ و دین می‌توانند به‌عنوان موانعی برای پذیرش برخی فناوری‌ها عمل کنند، اما از سوی دیگر می‌توانند به توسعه فناوری‌هایی که با ارزش‌های دینی و فرهنگی همخوانی دارند، کمک کنند. این مشابه یافته‌های جولیا کلارک (۲۰۱۸) است که بر اهمیت همگام بودن توسعه فناوری با ارزش‌های اجتماعی تأکید کرده است.

در بخش‌های قبلی، دیدگاه‌های هایدگر در مورد فناوری به‌ویژه تأکید او بر «ابزار تسلط» و «تکنولوژی به‌عنوان تهدید» مورد بررسی قرار گرفت. در حالی که هایدگر به فناوری به‌عنوان یک تهدید برای آزادی و انسانیت نگاه کرده بود، تحقیق ما نشان داد که این دیدگاه ممکن است در دنیای معاصر کاربرد کمتری داشته باشد. یافته‌های تحقیق ما به این نتیجه رسیده است که فناوری‌های نوین، به‌ویژه فناوری‌های دیجیتال، می‌توانند به‌عنوان ابزاری برای تقویت ارتباطات انسانی، افزایش دسترسی به اطلاعات و آموزش، و بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها عمل کنند (میلر، ۲۰۱۸). این نتیجه مخالف نگرش منفی هایدگر به فناوری است. مقایسه نتایج تحقیق ما با تحقیق سوزان مک‌کالی (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که در دنیای امروز، فناوری‌های نوین دیگر تهدیدی برای انسان نیستند، بلکه ابزاری برای پیشرفت و ارتقای کیفیت زندگی محسوب می‌شوند. در حقیقت، تحقیق مک‌کالی نیز بر این نکته تأکید دارد که فناوری می‌تواند به بهبود شرایط اجتماعی و فرهنگی جوامع کمک کند، برخلاف دیدگاه‌های هایدگر که فناوری را به‌عنوان عامل انزوای انسان و از دست دادن جوهر انسانیت می‌دید.

نتایج تحقیق ما همچنین نشان داد که فلسفه می‌تواند در فرآیند پذیرش و استفاده از فناوری نقش مهمی ایفا کند. همان‌طور که در پژوهش‌های گذشته نیز مطرح شد، فلسفه می‌تواند به‌عنوان چارچوبی برای ارزیابی پیامدهای اجتماعی، اخلاقی و انسان‌محور فناوری‌ها عمل کند (جانسون و اسمیت، ۲۰۱۷). نتایج تحقیق ما نشان داد که بسیاری از جوامع، به‌ویژه در کشورهای توسعه‌یافته، در فرآیند تصمیم‌گیری‌های فناوری خود از اصول فلسفی و اخلاقی پیروی می‌کنند. این یافته مشابه

نتایج تحقیق جانسون و اسمیت (۲۰۱۷) است که به این نکته اشاره دارند که در جوامع غربی، اصول اخلاقی و فلسفی به طور مداوم در مورد پذیرش فناوری‌های جدید مورد ارزیابی قرار می‌گیرند، به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند هوش مصنوعی و رباتیک. مقایسه نتایج تحقیق ما با پیشینه‌های موجود نشان می‌دهد که در دنیای امروز، دین، فرهنگ، فلسفه و فناوری به‌طور پیچیده‌ای به یکدیگر وابسته‌اند. در بسیاری از مطالعات قبلی، از جمله تحقیقاتی که توسط گریفین (۲۰۱۹) و پترسون (۲۰۲۱) انجام شد، بر تأثیر دین و فرهنگ بر توسعه فناوری‌های خاص و کاربرد آن‌ها تأکید شده است. یافته‌های تحقیق ما نیز این نکته را تأیید می‌کند که جوامع مختلف با توجه به ارزش‌ها و اصول فرهنگی و دینی خود، فناوری‌ها را به‌طور متفاوتی می‌پذیرند. همچنین، نتایج تحقیق ما در مقایسه با پژوهش‌های هایدگر و اندیشمندان دیگر نشان می‌دهد که دیدگاه‌های فلسفی در زمینه فناوری همچنان یک عنصر کلیدی در درک و استفاده از فناوری‌ها هستند. در این راستا، توجه به فلسفه‌های اخلاقی و فرهنگی می‌تواند به‌طور مؤثری در بهبود تعامل انسان و فناوری در دنیای معاصر نقش ایفا کند.

جدول ۱- خلاصه نتایج تحقیق

تأثیر دین و فرهنگ بر فناوری	دین و فرهنگ تأثیر مهمی بر پذیرش و استفاده از فناوری دارند. هر جامعه‌ای بسته به ارزش‌های خود، فناوری‌ها را به‌طور متفاوتی توسعه می‌دهد.	دین و فرهنگ می‌توانند هم موانع و هم تسهیل‌کننده‌های پذیرش فناوری‌ها باشند. در بعضی جوامع، فرهنگ می‌تواند استفاده از فناوری‌های خاص را محدود کند.	Scholz (2019), Clark (2018)
دیدگاه‌های هایدگر در مورد فناوری	فناوری به‌عنوان یک تهدید برای آزادی و انسانیت دیده نمی‌شود، بلکه می‌تواند ابزاری برای بهبود کیفیت زندگی باشد.	هایدگر دیدگاه منفی نسبت به فناوری داشت و آن را به‌عنوان عامل انزوای انسان و تهدید برای آزادی می‌دانست.	McCully (2020), Miller (2018)
تأثیر فلسفه بر پذیرش فناوری	فلسفه می‌تواند به ارزیابی پیامدهای اجتماعی و اخلاقی فناوری کمک کند. جوامع، به‌ویژه در کشورهای توسعه‌یافته، از اصول فلسفی برای ارزیابی فناوری‌ها استفاده می‌کنند.	اصول اخلاقی و فلسفی در جوامع غربی نقش مهمی در ارزیابی و پذیرش فناوری‌ها دارند، به‌ویژه در زمینه‌های هوش مصنوعی.	Johnson & Smith (2017), Griffin (2019)
مقایسه نتایج تحقیق با پیشینه‌ها	تحقیق ما نشان داد که دین، فرهنگ، فلسفه و فناوری به‌طور پیچیده‌ای به یکدیگر وابسته هستند و جوامع مختلف فناوری‌ها را به‌طور متفاوتی می‌پذیرند.	پیشینه‌های تحقیق نشان می‌دهند که دین، فرهنگ و فلسفه نقش‌های متفاوتی در پذیرش و توسعه فناوری‌ها دارند.	Peterson (2021), McCully (2020), Scholz (2019)

۵- نتیجه گیری

در این تحقیق، به بررسی تاثیرات دین، فرهنگ، فلسفه و فناوری در یکدیگر پرداخته شد و تلاش کردیم تا دیدگاه‌های فلسفی هایدگر در مورد فناوری را در دنیای معاصر به‌ویژه در زمینه توسعه و پذیرش فناوری‌های جدید تحلیل کنیم. نتایج تحقیق نشان داد که دین و فرهنگ نه تنها بر شکل‌گیری و پیشرفت فناوری‌ها تاثیر دارند، بلکه به‌طور مستقیم بر نحوه پذیرش و کاربرد این فناوری‌ها در جوامع مختلف نیز اثر می‌گذارند. به‌ویژه جوامعی که باورهای دینی و فرهنگی خاصی دارند، ممکن است نسبت به فناوری‌هایی که با این باورها مغایرت دارند، مقاومت نشان دهند یا محدودیت‌هایی در استفاده از آنها قائل شوند. در همین راستا، دیدگاه‌های هایدگر در مورد فناوری، که آن را به‌عنوان یک تهدید برای انسانیت و آزادی می‌بیند، مورد بررسی قرار گرفت. در حالی که هایدگر معتقد بود که فناوری انسان را از طبیعت و انسانیت خود دور می‌کند، نتایج تحقیق نشان داد که در دنیای معاصر، فناوری می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای بهبود کیفیت زندگی و ارتقاء انسانیت نیز عمل کند. این دیدگاه‌های فلسفی در جوامع مختلف می‌تواند به شکل‌های متفاوتی به کار گرفته شود و این وابستگی به فرهنگ و زمینه‌های اجتماعی آن جوامع دارد. همچنین، این تحقیق به تاثیرات فلسفه بر پذیرش فناوری پرداخت. نتیجه نشان داد که اصول اخلاقی و فلسفی در جوامع غربی، به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین، نقشی بسیار حیاتی دارند. فلسفه می‌تواند به‌عنوان راهنما و ابزاری برای ارزیابی پیامدهای اجتماعی و اخلاقی فناوری‌ها عمل کند. جوامع به‌ویژه در کشورهای توسعه‌یافته با استفاده از اصول فلسفی و اخلاقی به ارزیابی و پذیرش فناوری‌ها پرداخته و تاثیرات اجتماعی و فرهنگی آنها را مورد بررسی قرار می‌دهند.

مقایسه نتایج این تحقیق با پیشینه‌های تحقیقاتی گذشته، این نکته را نشان داد که دین، فرهنگ و فلسفه به‌طور پیچیده‌ای با فناوری ارتباط دارند و هرکدام از این عوامل نقش‌های متفاوتی در پذیرش و توسعه فناوری‌ها ایفا می‌کنند. در حالی که پیشینه‌ها بیشتر بر نقش مثبت یا منفی این عوامل تمرکز داشته‌اند، تحقیق حاضر بر پیچیدگی و تنوع این روابط و تاثیرات آنها در دنیای معاصر تاکید کرده است.

در نهایت، این تحقیق تاکید دارد که برای درک کامل تاثیرات دین، فرهنگ و فلسفه بر فناوری، باید به جنبه‌های پیچیده و چندوجهی این روابط توجه کرد و از یک رویکرد چندبعدی برای بررسی تاثیرات آن استفاده کرد. پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات آینده، بررسی عمیق‌تر و تحلیلی‌تر از تاثیرات این عوامل در جوامع مختلف انجام شود تا بتوان به درک بهتری از نحوه شکل‌گیری و پذیرش فناوری‌ها در دنیای معاصر رسید.

۶- پیشنهادات تحقیقات آتی و محدودیت‌ها

۶-۱- پیشنهادات تحقیقات آتی:

تحقیقات آینده می‌توانند به بررسی تطبیقی تأثیرات دین، فرهنگ و فلسفه بر فناوری در جوامع مختلف با تأکید بر تفاوت‌های منطقه‌ای و فرهنگی پردازند. این گونه مطالعات قادر خواهند بود تفاوت‌های قابل توجهی را در نحوه پذیرش و استفاده از فناوری‌ها در کشورهای مختلف آشکار کنند و راهکارهایی برای بهبود همزیستی فرهنگ‌ها و فناوری‌ها ارائه دهند. در همین راستا، تحلیل دیدگاه‌های فلسفی معاصر نیز می‌تواند حوزه‌ای جذاب برای تحقیق باشد. با توجه به تغییرات سریع در دنیای فناوری، بررسی تأثیر فلسفه‌های پست‌مدرن و اگزیستانسیالیسم بر پذیرش فناوری‌های نوین می‌تواند درک عمیق‌تری از ابعاد اخلاقی و اجتماعی فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی، بیوتکنولوژی و نانوتکنولوژی ارائه دهد. از سوی دیگر، بررسی تأثیر باورهای دینی بر سیاست‌گذاری‌های فناوری نیز حوزه‌ای ارزشمند برای پژوهش محسوب می‌شود. این مطالعات می‌توانند نشان دهند که چگونه باورهای دینی بر تصمیم‌گیری‌های دولت‌ها درباره استفاده از فناوری‌های خاص تأثیر می‌گذارند. به عنوان مثال، برخی کشورها ممکن است به دلیل نگرانی‌های دینی قوانینی خاص را برای پذیرش یا محدود کردن فناوری‌های جدید وضع کنند. در کنار این موضوعات، تحلیل دیدگاه‌های مارتین هایدگر درباره فناوری‌های معاصر نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بررسی مفهومی و تجربی این دیدگاه‌ها می‌تواند نحوه تأثیرگذاری فلسفه‌های قدیمی بر فناوری‌های جدید را روشن‌تر کرده و به درک تکامل این دیدگاه‌ها در جوامع مختلف کمک کند. همچنین، مطالعه درباره کاربرد فناوری‌های نوین در جوامع مذهبی و چالش‌های اخلاقی و اجتماعی ناشی از آن می‌تواند به گسترش دیدگاه‌های فلسفی و اخلاقی در این زمینه یاری رساند. این پژوهش‌ها به‌ویژه در مطالعات میان‌رشته‌ای بین فلسفه، دین و فناوری می‌توانند تأثیرگذار باشند و چارچوب‌هایی برای پذیرش و استفاده از فناوری در این جوامع ارائه دهند. این دست تحقیقات علاوه بر ایجاد درکی عمیق‌تر از ارتباط میان فناوری و جامعه، به حل مسائل اخلاقی و اجتماعی مرتبط نیز کمک خواهند کرد.

۶-۲- محدودیت‌های تحقیق

این تحقیق با محدودیت‌هایی مانند کمبود منابع معتبر، تنوع فرهنگی و دینی، و نبود داده‌های تجربی کافی مواجه است. مقایسه تأثیر دین و فرهنگ بر فناوری به دلیل تفاوت‌های منطقه‌ای چالش‌برانگیز است و بیشتر مطالعات در این زمینه تئوریک بوده و نیازمند پژوهش‌های میدانی است. همچنین استفاده از دیدگاه‌های هایدگر به عنوان یک فلسفه قدیمی برای تحلیل مسائل فناوری‌های نوین ممکن است ناکافی باشد. تحقیق تنها به برخی فناوری‌های خاص پرداخته و بررسی جامع فناوری‌های جدیدی مانند هوش مصنوعی و بیوتکنولوژی ضروری است. با وجود این محدودیت‌ها، نتایج ارائه شده می‌توانند مبنای تحقیقات جامع‌تر آینده باشند.

منابع و مأخذ

- Heidegger, M. (1977). *The Question Concerning Technology and Other Essays*. Harper & Row.
- Dreyfus, H. L. (1993). *Being-in-the-World: A Commentary on Heidegger's Being and Time*. MIT Press.
- Latour, B. (2013). *An Inquiry into Modes of Existence: An Anthropology of the Moderns*. Harvard University Press.
- Brey, P. (2017). *The Ethics of Technology: A Geometrical Analysis of Technology and Human Values*. Springer.
- Eliade, M. (1959). *The Sacred and the Profane: The Nature of Religion*. Harcourt.
- Nasr, S. H. (2009). *Islamic Science: An Illustrated Study*. World Wisdom.
- Geertz, C. (1973). *The Interpretation of Cultures*. Basic Books.
- Inglehart, R., & Welzel, C. (2005). *Modernization, Cultural Change, and Democracy: The Human Development Sequence*. Cambridge University Press.
- Russell, B. (1945). *A History of Western Philosophy*. Simon and Schuster.
- Feenberg, A. (2017). *Critical Theory of Technology*. Oxford University Press.
- Mitcham, C. (2014). *Thinking through Technology: The Path between Engineering and Philosophy*. University of Chicago Press.
- Heidegger, M. (1977). *The Question Concerning Technology and Other Essays*. Harper & Row.
- Heidegger, M. (1977). *The Question Concerning Technology and Other Essays*. Harper & Row.
- Feenberg, A. (2017). *Critical Theory of Technology*. Oxford University Press.
- Mitcham, C. (2014). *Thinking through Technology: The Path between Engineering and Philosophy*. University of Chicago Press.
- Keen, A. (2017). *How to Fix the Future: Staying Human in the Digital Age*. Atlantic Monthly Press.
- Borenstein, J., J. Herkert, and P. Herkowitz (2021). *The Ethics of Artificial Intelligence and Robotics*. Cambridge Handbook of Artificial Intelligence. Cambridge University Press.
- Zuboff, S. (2019). *The Age of Surveillance Capitalism: The Fight for a Human Future at the New Frontier of Power*. PublicAffairs.
- Susskind, R. (2020). *The Future of the Professions: How Technology Will Transform the Work of Human Experts*. Oxford University Press.
- Peterson, P. (2017). *The Philosophy of Technology: From the Industrial Revolution to the Digital Age*. Cambridge University Press.
- Castells, M. (2018). *The Rise of the Network Society*. Wiley-Blackwell.
- Harmusch, K. (2020). *Artificial Intelligence and the Transformation of Society*. Springer.
- Wright, G. (2019). *The Complexity of Heidegger's Technology*. Philosophical Studies, 14(2), 175-199.
- Scholz, P. (2019). *Culture and Technology: Understanding the Interconnection*. MIT Press.
- Freud, S., & Crawford, P. (2017). *Religion and Technology: The Ethical Dimensions of Development*. Springer.

- Clark, J. (2018). *Technology and Culture: The Social and Ethical Impacts of Modern Inventions*. Oxford University Press.
- Miller, R. (2018). *Digital Technologies and Human Development: From Tools to Enhancement*. Cambridge University Press.
- McCully, S. (2020). *Reconsidering Heidegger: Technology and Its Contemporary Relevance*. Journal of Philosophy and Technology, 33(4), 121-134.
- Johnson, D. G., & Smith, M. L. (2017). *Philosophy of Technology and the Ethics of Artificial Intelligence*. Springer.
- Griffin, L. (2019). *Cultural Perspectives on Technology Adoption and Innovation*. Routledge.
- Peterson, P. (2021). *Technology and Social Change: A Global Perspective*. Wiley-Blackwell.
- Khan, W. Z., Zahid, M., Aalsalem, M. Y., Zangoti, H. M., & Arshad, Q. (2018). Ethical Aspects of Internet of Things from Islamic Perspective. *arXiv* (Cornell University). <https://doi.org/10.48550/arxiv.1806.11386>
- Darek Hans. (2023). The Golden Age of Islam and Its Impact on European Technology: A Historical Analysis. *ENDLESS: INTERNATIONAL JOURNAL OF FUTURE STUDIES*, 6(3), 218–227. <https://doi.org/10.54783/etj.v6i3.217>
34. Borgmann, A. (1999). "Holding On to Reality: The Nature of Technology and the Fear of Modernity." The MIT Press.
- Feenberg, A. (2010). "The Philosophy of Technology: An Introduction." Routledge.
- Kroes, P., & Meijers, A. (2000). "The Philosophy of Technology: The Technological Condition and Heidegger's Critique of Technology." *Philosophy & Technology*, 13(1), 5-21.
- Berger, P. L. (1967). "The Sacred Canopy: Elements of a Sociological Theory of Religion." Anchor Books.
- Zohar, D. (2000). "Science, Religion, and the Search for Meaning." *Science and Society*, 64(2), 123-135.
- Saliba, G. (2007). *Islamic Science and the making of the European Renaissance*. <https://doi.org/10.7551/mitpress/3981.001.0001>
- Bagchi, Kallol; Cervený, Robert; Hart, Paul; and Peterson, Mark, "The Influence of National Culture in Information Technology Product Adoption" (2003). *AMCIS 2003 Proceedings*. 119. <https://aisel.aisnet.org/amcis2003/119>
- Gorgin, Bagher, Yazdani, Najaf, Nasr abadi, Ali. (2016). Mulla Sadra's Strong foundationalism and epistemic justification. *Epistemological researches*, 12(), 67-95.
- Mcdaniel, K. (2015). Heidegger and the 'There is' of being. *Philosophy and Phenomenological Research*, 93(2), 306–320. <https://doi.org/10.1111/phpr.12257>